



برنامه درسی بازنگری شده رشته فلسفه دین در مقطع کارشناسی ارشد: نقاط قوت و ضعف

مهدی ذاکری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰

چکیده

هدف از بازنگری برنامه‌های درسی اصلاح و تکمیل آنها بر اساس ارزشیابی‌ها، تغییر نیازها و داده‌ها در جهت روزآمد کردن آنها است. لازمه این امر تشخیص و برطرف کردن نقص‌های برنامه‌های قبلی و تکمیل آنها با توجه به تحولات در جامعه علمی رشته مربوط است. این مقاله درصدد بررسی برنامه درسی بازنگری شده رشته فلسفه دین در مقطع کارشناسی ارشد و ارزیابی نقاط قوت و ضعف آن در اصلاح و روزآمدسازی برنامه قبلی مطابق اهداف برنامه و تحولات جامعه علمی فلسفه دین است. این ارزیابی به روش پژوهش کتابخانه‌ای در چهار محور اصول و مبانی، عناوین، سرفصل‌ها و منابع انجام شده و در هر یک نقاط قوت و ضعف آن مشخص گردیده است. در مجموع بهترین نقاط قوت این برنامه را می‌توان توجه به مباحث جدید و بومی مسلمانان در فلسفه دین، حذف عناوین کمتر مرتبط مانند «رویکردهای مختلف به دین» و افزودن عناوین جدید مرتبط مانند «اعجاز» و «انسان‌شناسی»، تفصیل بیشتر و منطقی‌تر سرفصل‌ها برای نمونه در درس «براهین اثبات خدا»، و تنوع بخشی بیشتر به منابع دروس دانست. در میان نقاط ضعف نیز این موارد قابل ذکر است: ابهام کاربردی در مفهوم «فلسفه دین اسلامی»، اضافه شدن برخی عناوین غیرمرتبط مانند «دین و سبک زندگی»، عدم انتخاب سرفصل‌های مناسب برای برخی عناوین درسی مانند «منطق فهم دین»، و عدم ذکر برخی منابع قوی و دست‌اول.

کلیدواژه‌ها

برنامه درسی فلسفه دین، رشته فلسفه دین، بومی‌سازی فلسفه دین، فلسفه دین اسلامی، فلسفه دین قاره‌ای

۱. دانشیار گروه فلسفه، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (zaker@ut.ac.ir)



Revised Curriculum for Master's Degree in Philosophy of Religion: Strengths and Weaknesses

Mahdi Zakeri¹

Reception Date: 2022/04/14

Acceptance Date: 2022/05/31

Abstract

The purpose of revising curricula is to modify and complete them based on evaluations and the changes in needs and data to update them. It is necessary to identify and eliminate the defects of previous curricula and complete them according to the developments in the scientific community of the relevant fields. This article seeks to review the revised curriculum of philosophy of religion in the master's degree and evaluate its strengths and weaknesses in modifying and updating the previous curriculum in accordance with the goals of the curriculum and developments in the scientific community of philosophy of religion. This evaluation is done by library research method in four areas i.e. theoretical foundations, course titles, syllabus, and resources. In general, the most important strong points of this curriculum are: paying attention to the new and indigenous Muslim topics in the philosophy of religion, removing some less relevant titles such as "different approaches to religion" and adding some new relevant titles like "miracles" and "anthropology", arranging the syllabus in more detail and with better logical order (for example, for the title "proofs of God"), and finally proposing a wide range of sources. On the other hand, among the weaknesses, the following can be mentioned: ambiguity in applying the concept of "Islamic philosophy of religion", the addition of some unrelated titles such as "religion and lifestyle", failure to select a suitable syllabus for some course titles like "logic of understanding the religion", and at last absence of some major and primary sources.

Keywords

Curriculum of Philosophy of Religion, Major of Philosophy of Religion, Indigenization of Philosophy of Religion, Islamic Philosophy of Religion, Continental Philosophy of Religion

1. Associate Professor, Department of Philosophy, College of Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran. (zaker@ut.ac.ir)

مقدمه

برنامه‌های درسی رشته‌های دانشگاهی مسیر آموزشی دانشجویان رشته را تعیین می‌کنند و محتوای آنچه را طی یک دوره آموزش می‌بینند مشخص می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت برنامه درسی هر رشته سند اساسی آموزشی آن رشته است و نشان می‌دهد دانشجو در پایان دوره به لحاظ آموزشی باید در چه وضع و سطحی قرار داشته باشد.

علوم و معارف مختلف بشری همیشه در حال تغییر و تحول‌اند و لازم است برنامه‌های درسی نیز متناسب با این تحولات تغییر کنند و محتوای آموزشی هر رشته دانشگاهی شامل آخرین بحث‌های جاری در میان جامعه علمی آن رشته باشد. بر اساس مصوبات دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، برنامه‌های درسی باید هر پنج سال یک بار بازنگری و روزآمد شوند. بر اساس این مصوبات، «منظور از بازنگری برنامه‌های درسی اصلاح، تکمیل و بازنویسی برنامه بر اساس ارزشیابی‌ها، تغییر نیازها و داده‌های نو، تغییر روش‌ها، محتوا و الزامات قانونی؛ تغییر مسیر؛ ضرورت زمان و مکان و نگرش نو به دانش، مهارت و یادگیری است». و «بازنگری برنامه‌های درسی باید در جهت تحول و نوآوری و روزآمد کردن مطالب [باشد و به آن] بینجامد و به تغییرات صوری و شکلی اکتفا نشود» (دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی ۱۴۰۰).

با توجه به اهمیت برنامه درسی برای تأمین اهداف رشته‌های دانشگاهی، و اهمیت بازنگری برنامه‌ها متناسب با تحولات هر رشته، به نظر می‌رسد ارزیابی این بازنگری‌ها به منظور سنجش میزان اصلاح صورت گرفته و رعایت الزامات فرایند بازنگری به همان اندازه مهم باشد. ارزیابی برنامه‌های درسی این فرصت را برای استادان فراهم می‌سازد که دانش و بینش لازم درباره نقاط قوت و ضعف برنامه را به دست بیاورند و از آن در زمینه آموزش بهره ببرند. بر این اساس، مقاله پیش رو، پس از معرفی برنامه‌های درسی کارشناسی ارشد فلسفه دین، آخرین بازنگری این برنامه را ارزیابی می‌کند و نقاط قوت و ضعف آن را می‌سنجد.

نخستین برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین به زبان فارسی در سال ۱۳۸۱ (از این پس، برنامه درسی ۱۳۸۱) تدوین شد (شورای گسترش آموزش عالی ۱۳۸۱). سپس در سال ۱۳۹۱ یکی از مؤسسات حوزوی برنامه درسی جدیدی برای این رشته تدوین کرد که در گروه علوم حوزه‌ای-دانشگاهی شورای برنامه‌ریزی وزارت علوم به تصویب رسید، اما در دانشگاه‌ها به اجرا درنیامد. در سال ۱۳۹۵ کارگروه فلسفه دین و

کلام جدید شورای تحول و ارتقای علوم انسانی برنامه درسی ۱۳۸۱ را بازنگری کرد و این شورا برنامه بازنگری شده را به تصویب رساند و برای اجرا به دانشگاه‌ها ابلاغ کرد. موضوع این مقاله برنامه درسی بازنگری شده سال ۱۳۹۵ است (از این پس، برنامه درسی ۱۳۹۵). در مقدمه این برنامه، فلسفه دین به رشته‌ای تعریف می‌شود که «به تحلیل عقلانی درباره دین و آموزه‌های بنیادین دین می‌پردازد» و «با رویکرد فلسفی درباره دین، آموزه‌های اصلی آن [را] مطالعه می‌کند» (برنامه درسی ۱۳۹۵، ۲). در این مقدمه به لزوم تحول «فلسفه دین غربی» به «فلسفه دین اسلامی» اشاره شده و آمده است:

نیاز به ارائه فلسفه دین اسلامی و مواجهه با جریان‌های ضددینی و پاسخ‌گویی به معضلات فکری جامعه در زمینه فلسفه دین از جمله ضروریات است و لازم است مباحث و مسائل مطرح در حوزه فلسفه دین غربی در سطح جامعه مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار گیرد و با بهره‌مندی از مبانی حکمت و تفکر اسلامی و با محوریت چهار معیار اسلامی‌سازی، بومی‌سازی، روزآمدی و کارآمدی به تولید فلسفه دین اسلامی و ترویج و تعمیق مباحث دینی پرداخته شود. (برنامه درسی ۱۳۹۵، ۲)

از این عبارت چنین برداشت می‌شود که «بهره‌مندی از مبانی حکمت و تفکر اسلامی» می‌تواند لزوم تحول فلسفه دین غربی به فلسفه دین اسلامی را محقق کند.

سپس اهداف این برنامه از جمله «اسلامی‌سازی، بومی‌سازی، روزآمدی و کارآمدی مباحث فلسفه دین»، «آشنایی با مکاتب و آراء معارض و نقد آنها»، «پاسخ به شبهات» و «تربیت اندیشمندان اسلامی برای پاسخ‌گویی به شبهات» و «تأسیس و توسعه فلسفه دین اسلامی» شمرده شده است (برنامه درسی ۱۳۹۵، ۲-۳).

این برنامه درسی مانند برنامه درسی ۱۳۸۱ (علاوه بر پایان‌نامه) هفده درس دو واحدی دارد، اما به طور خاص، دارای شش درس اختصاصی و یازده درس اختیاری دو واحدی است که از میان آنها دانشجوی باید هشت درس و در مجموع چهارده درس را بگذرانند. عناوین دروس عبارت‌اند از: «چیستی و خاستگاه دین»، «براهین اثبات وجود خدا و صفات او»، «الهیات و مسئله شر (تطبیقی)»، «نبوت، وحی و تجربه دینی»، «حقانیت دین و رستگاری بشر»، «علم و دین»، «دین و اخلاق»، «دین و فرهنگ»، «دین و سبک زندگی (حیات طیبه)»، «زبان دین»، «انسان‌شناسی»، «اعجاز»، «جاودانگی نفس و مسئله آخرت»، «منطق فهم دین»، «قلمرو دین و جامعیت آن»، «عقل و دین» و «الهیات تطبیقی (تاریخ تدوین کتب آسمانی و محورهای موضوعی)» (برنامه درسی ۱۳۹۵، ۴-۵).

با مقایسه این برنامه با برنامه ۱۳۸۱، می‌توان دریافت که عناوین برخی از دروس تغییر کرده است: «چیستی دین» به «چیستی و خاستگاه دین»، «فلسفه دین تطبیقی» به «الهیات تطبیقی»، «تعارض دعاوی ادیان و کثرت‌گرایی دینی» به «حقانیت دین و رستگاری بشر»، «فناناپذیری نفس و رستاخیز» به «جاودانگی نفس و مساله آخرت»، «قلمرو دین و انتظار بشر از دین» به «قلمرو دین و جامعیت آن»، «تجربه دینی» به «نبوت، وحی و تجربه دینی»، «زبان دین و هرمنوتیک دینی» به «زبان دین»، «معرفت‌شناسی و دین» به «منطق فهم دین».

علاوه بر این، تعدادی از دروس برنامه قبلی حذف شده و دروس دیگری جایگزین آنها شده است. دروس حذف شده عبارت‌اند از «دین و سیاست»، «رویکردهای مختلف به دین»، «تاریخ فلسفه دین»، «تاریخ و الهیات مسیحی». و دروس جایگزین شده عبارت‌اند از «دین و فرهنگ»، «دین و سبک زندگی (حیات طیبه)»، «انسان‌شناسی»، «اعجاز». در ادامه، ذیل چهار عنوان درباره نقاط قوت و ضعف برنامه بازنگری شده فلسفه دین بحث می‌کنم.

۱. اصول و مبانی

از مهم‌ترین نقاط قوت برنامه درسی ۱۳۹۵ می‌توان به توجه به مباحث جدید و بومی مسلمانان در فلسفه دین اشاره کرد. همان‌طور که در مقدمه این سرفصل اشاره شده است، یکی از چهار محور این برنامه بومی‌سازی فلسفه دین است، که می‌توان تحقق آن را در عناوین درسی و سرفصل‌های برخی از درس‌ها مشاهده کرد. مثلاً در سرفصل‌های درس «علم و دین»، موضوع علم دینی اضافه شده است؛ در سرفصل‌های درس «نبوت، وحی و تجربه دینی»، به موضوع خاتمیت اشاره شده است؛ در سرفصل‌های درس «انسان‌شناسی»، موضوع فطرت را می‌توان مشاهده کرد؛ در سرفصل‌های درس «عقل و دین»، «رویکردهای مختلف در اندیشه اسلامی در باب عقل و دین؛ الف. عقل‌گرایی و ب. نقل‌گرایی» اضافه شده است. این موضوعات در فلسفه دین مسیحیان یافت نمی‌شود یا بسیار اندک به چشم می‌خورد و بیشتر به تفکر مسلمانان اختصاص دارد.

اما یک نقطه ضعف در این برنامه درسی ابهام در مفهوم «فلسفه دین اسلامی» است. مقدمه برنامه درسی ۱۳۹۵ به لزوم «تولید فلسفه دین اسلامی» اشاره کرده و یکی از اهداف چهارگانه این برنامه را «تأسیس و توسعه فلسفه دین اسلامی» شمرده است. اما با این که ممکن است برداشت‌ها و تعریف‌های مختلفی از مفهوم فلسفه دین اسلامی وجود

داشته باشد، این مفهوم در این برنامه تعریف نشده و مشخص نشده است منظور از آن کدام یک از برداشت‌ها و تعریف‌ها است.

دست‌کم چهار تعریف از «فلسفه دین اسلامی» ممکن است. نخست، همان طور که مطالعات فلسفه دین در ابتدا در عالم مسیحیت شکل گرفت و در کنار آموزه‌های مشترک ادیان، بسیاری از مباحث آن ناظر به آموزه‌ها و اعتقادات مسیحی بود، می‌توان نظر را به آموزه‌ها و اعتقادات اختصاصی دین اسلام مانند خاتمیت یا آموزه‌هایی که در دین اسلام تأکید بیشتری بر آنها شده است مانند اعجاز معطوف کرد و حاصل این مطالعات را فلسفه دین اسلامی (یا به تعبیر بهتر، فلسفه دین اسلام) نامید (رضایی ۱۳۹۶، ۴۴-۴۵؛ عباس‌زاده ۱۳۹۸، ۱۵؛ ساجدی ۱۳۸۵-الف، ۶۳). به این معنا، فلسفه دین اسلامی عبارت است از مطالعه فلسفی دین اسلام و آموزه‌های اصلی آن. متناظر با این کاربرد، گاهی از اوقات عبارت «فلسفه دین مسیحی» نیز به کار می‌رود. مثلاً بخشی از کتاب فلسفه دین مسیحی؛ مقالاتی به افتخار استیون دیویس (Ruloff 2015) به آموزه‌های اختصاصی مسیحی مانند تفدیه، تجسد، رستاخیز عیسی مسیح و تثلیث اختصاص دارد و شاید به این دلیل نام «فلسفه دین مسیحی» برای آن انتخاب شده است.

دوم، می‌توان مطالعه فلسفی دین با استفاده از تلاش‌های فکری اندیشمندان و فلاسفه مسلمان درباره آموزه‌های دین و مواجهه آنها با چالش‌هایی که ممکن است در برابر دین مطرح شود، صورت داد. مثلاً، همان طور که در بحث براهین اثبات خدا، براهین کیهان‌شناختی، وجودی و غایت‌شناختی فیلسوفی مسیحی مانند توماس آکویناس مطرح می‌شود، می‌توان ریشه‌های این براهین را در آثار ابن‌سینا و تقریرهای مختلف برهان صدیقین (در این فرض که با برهان وجودی تفاوت داشته باشد) مورد توجه قرار داد. همچنین می‌توان در بحث زبان دین، دیدگاه‌های متکلمان و فیلسوفان مسلمان درباره معناشناسی اوصاف الهی را مبنای نظریه‌پردازی قرار داد. به این معنا، فلسفه دین اسلامی عبارت است از مطالعه فلسفی دین و آموزه‌های اصلی آن با استفاده از دستاوردهای فکری متفکران مسلمان (رضایی ۱۳۹۶، ۴۴-۴۵). در مقدمه برنامه درسی بازنگری شده آمده است:

لازم است مباحث و مسائل مطرح در حوزه فلسفه دین غربی در سطح جامعه مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار گیرد و با بهره‌مندی از مبانی حکمت و تفکر اسلامی ... به تولید فلسفه دین اسلامی و ترویج و تعمیق مباحث دینی پرداخته شود. (برنامه درسی ۱۳۹۵، ۲)

از این عبارت می‌توان نتیجه گرفت که تعریف دوم از فلسفه دین اسلامی مد نظر این برنامه بوده است.

فلسفه دین اسلامی، به معنای ترکیبی از تعریف اول و دوم نیز مطرح شده است. بر این اساس، فلسفه دین اسلامی عبارت است از مطالعه فلسفی دین اسلام با استفاده از تلاش‌های فکری اندیشمندان و فلاسفه مسلمان (عبداللهی ۱۳۹۰، ۱۴۷؛ رضایی ۱۳۹۶، ۴۴).

تعریف سوم فلسفه دین اسلامی برگرفته از فلسفه اسلامی رایج است. همان طور که فلسفه اسلامی - یا فلسفه مسیحی یا هر دین دیگری - امکان‌پذیر است و واقع شده است، فلسفه دین اسلامی هم امکان‌پذیر است، زیرا فلسفه دین مانند فلسفه در صدد بررسی عقلی و برون‌دینی موضوع خودش است و همان طور که تأثیرپذیری فلسفه از اسلام، در مقام گردآوری، توصیف فلسفه به صفت «اسلامی» را مجاز می‌سازد، فلسفه دین هم با تأثیرپذیری و الهام گرفتن از اسلام می‌تواند فلسفه دین اسلامی باشد. مادام که استدلال و مطالعه به روش عقلی صورت پذیرد و متون و آموزه‌های دینی به صورت تعبدی مبنای استدلال قرار نگیرند و محتوای دینی و معارف اسلامی جایگزین استدلال عقلی نشود، فلسفه‌ورزی معنا دارد (برای دیدن نمونه‌هایی از دفاع از امکان فلسفه اسلامی به این معنا نک. عبودیت ۱۳۸۲، ۴۱؛ کردفیروزجایی ۱۳۹۰، ۱۲۴-۱۲۷). بر این اساس، فلسفه دین اسلامی به معنای «فلسفه دین» ای است که از اسلام تأثیر پذیرفته و الهام گرفته است، مانند الهام گرفتن در اقامه برهان بر مسائل فلسفه دین از آیات و روایات اسلامی (عباس زاده ۱۳۹۸، ۱۶-۱۷؛ رضایی ۱۳۹۶، ۴۵-۴۶).

فلسفه دین اسلامی با هر یک از سه تعریف فوق با تعریفی که در مقدمه این برنامه درسی از فلسفه دین ارائه شده و تعریف رایج و پذیرفته شده در میان فیلسوفان دین و آثار کلاسیک فلسفه دین سازگار است. جان هیک فلسفه دین را به «تفکر فلسفه درباره دین» تعریف می‌کند (هیک، ۱۳۹۰، ۱۳-۱۴). بسیاری از فیلسوفان دین دیگر نیز همین تعریف یا مشابه آن را برای فلسفه دین پذیرفته‌اند (برای دیدن این تعریف‌ها نک. بازیگر و دیگران ۱۳۹۰، ۲۷؛ باربور ۱۳۷۹، ۱۲؛ پاکین و استرول ۱۳۷۳، ۲۰۵؛ لگنهاوسن ۱۳۸۳، ۵۱۲؛ Alston 1972, 287؛ Mitchell 1971, 1؛ Copan and Meister 2007، 1-2؛ Stump 1998, 248، به نقل از عبداللهی ۱۳۹۰، ۱۳۴-۱۳۵).

بر اساس این تعریف، فلسفه دین مطالعه برون‌نگرانه دین است و یکی از تفاوت‌های محوری آن با کلام در غایت آن است. متکلم با تعهد به دین، از درون دین و با

هدف تبیین، تبلیغ، اثبات و دفاع از اندیشه دینی به تحقیق می‌پردازد. در مقابل، فیلسوف دین با هدف کشف حقیقت، بدون تعهد به دین به مطالعه دین می‌پردازد (عسگری یزدی ۱۳۹۰، ۱۳۹؛ علی‌تبار فیروزجایی ۱۳۸۴، ۱۸۰؛ عباس‌زاده ۱۳۹۸، ۱۲؛ ساجدی ۱۳۸۵-الف، ۵۰، رشاد ۱۳۸۴، ۲۵).

اما تعریف چهارمی هم برای فلسفه دین اسلامی مطرح شده است که بر اساس آن، به «ارائه تبیین عقلانی از دین اسلام» هم می‌توان فلسفه دین اسلامی اطلاق کرد:

[زیرا] دین اسلام در بطن و اساسش تعقل و خردورزی نهفته است؛ ... چون فلسفه دین چیزی جز تفکر عقلانی و فلسفی نیست و این نیز تفکر عقلانی است ... چون دین اسلام دین عقلانیت است، خود دین نیز فلسفه دین است ... پس به این معانی می‌توانیم فلسفه دین اسلامی داشته باشیم: یک این که آموزه‌های اسلامی را مورد تأمل عقلانی قرار بدهیم و دو این که آموزه‌های عقلانی اسلام نیز اگر تبیین عقلانی شوند، می‌شود فلسفه دین. (محمدرضایی ۱۳۹۹)

این تعریف از فلسفه دین اسلامی مبتنی بر تعریفی از فلسفه دین است که با تعریف رایج و مطرح‌شده در مقدمه برنامه ۱۳۸۵ تفاوت دارد: «فلسفه دین علمی است که عهده‌دار پژوهش عقلانی است در جهت معقولیت و توجیه دین و آموزه‌های اساسی آن و سازواری آنها (آموزه‌ها) با یکدیگر یا در جهت عدم معقولیت و توجیه و سازواری آنها» (محمدرضایی و محمدرضایی ۱۳۹۲، ۲۰). بر اساس این تعریف، فلسفه دین می‌تواند با الهیات یکی باشد. «اگر در الهیات که افزون بر عقل از متون دینی نیز کمک گرفته می‌شود، خود متون دینی یک نوع استدلال عقلی یا تفکر عقلی باشد - همان‌گونه که در اسلام و برخی از ادیان هندی چنین است - تفاوت الهیات با فلسفه دین از میان می‌رود» (محمدرضایی و محمدرضایی ۱۳۹۲، ۱۹). همچنین بر اساس این تعریف، فلسفه دین با کلام همپوشانی دارد. «تمام پژوهش عقلی که بر اساس عقل تنها در مقام تبیین، اثبات و دفاع از آموزه‌های اساسی دین صورت می‌گیرد، جزو مسائل فلسفه دین است که با کلام عقلی نیز همپوشانی‌های زیادی دارد. ... بنابراین نمی‌توان مرز دقیقی بین فلسفه دین و کلام کشید» (محمدرضایی و محمدرضایی ۱۳۹۲، ۲۶).

در مجموع، سه تعریف اول از فلسفه دین اسلامی با تعریف رایج فلسفه دین که در مقدمه برنامه درسی ذکر شده است سازگارند، و بر اساس آنها فلسفه دین اسلامی متمایز از علم کلام است. اما تعریف چهارم مبتنی است بر رد تعریف رایج از فلسفه دین (که در

مقدمه برنامه درسی ذکر شده است) و بر اساس آن، فلسفه دین اسلامی با کلام همپوشانی دارد.

به برنامه درسی بازگردیم. مشکل مبنایی این برنامه درسی این است که با وجود این که محور آن «فلسفه دین اسلامی» است، مشخص نکرده است که کدام یک از تعریف‌های آن را پذیرفته است. با توضیحات بالا مشخص می‌شود که فلسفه دین اسلامی با تعریف چهارم نمی‌تواند مورد پذیرش این برنامه درسی باشد، زیرا مبتنی بر رد تعریفی از فلسفه دین است که در مقدمه برنامه درسی مورد پذیرش قرار گرفته است. با این حال، برخی از عبارات در برنامه درسی نشان می‌دهد که گویا فلسفه دین اسلامی با تعریف چهارم هم مد نظر بوده است.

مثلاً در سرفصل درس «نبوت، وحی و تجربه دینی» هدف از این درس «ارائه دیدگاه صحیح اسلامی در باب تجربه دینی» ذکر شده است. در سرفصل درس «علم و دین» هدف از این درس «آشنایی با علم دینی و دیدگاه‌های مربوط به رابطه علم و دین و ارائه دیدگاه اسلامی در این باب» ذکر شده است. در سرفصل درس‌های «زبان دین» و «عقل و دین» نیز «ارائه دیدگاه اسلامی در این باب» قید شده است. در سرفصل درس «جاودانگی نفس و مسئله آخرت»، «اثبات معاد از دیدگاه اسلامی» در اهداف درس قید شده است، و در سرفصل درس «قلمرو دین و جامعیت آن»، «اثبات جامعیت دین اسلام» قید شده است. همچنین در سرفصل درس «الهیات تطبیقی»، «اثبات حقانیت الهیات اسلامی» آمده است. این عبارات با تعریف رایج از فلسفه دین سازگار نیست و این برنامه درسی را به علم کلام نزدیک می‌کند.

از دیگر نشانه‌های این که در این برنامه درسی، فلسفه دین اسلامی با تعریف چهارم هم مد نظر بوده این است که در مقدمه و جای‌جای سرفصل‌های دروس سخن از پاسخ‌گویی به شبهات به میان آمده است. این که پرسش‌های فلسفه دین شبهه تلقی شود و پیشاپیش در سرفصل درس موضع مشخصی نسبت به یک مسئله اتخاذ شود، فلسفه دین را به کلام تبدیل می‌کند. روش بهتر این است که در هر مسئله‌ای از مسائل فلسفه دین مدعیات منکران و مثبتان آموزه‌های دینی همراه با استدلال‌های هر یک طرح و بهترین پاسخ‌های فلسفی داده شده به آنها از ناحیه فیلسوفان دین و الهی‌دانان مسیحی و فیلسوفان و متکلمان مسلمان ارائه شود.

متکلم در مواجهه با آرای مخالف یا معارض با دین و آموزه‌های وحیانی، آنها را شبهه تلقی کرده و در صدد دفاع برمی‌آید. بر خلاف فیلسوف دین که خود را ملزم به دفاع ندانسته و

نهایتاً سعی در بازسازی اندیشه‌های دینی و وحیانی می‌کند. (عسگری یزدی ۱۳۹۰، ۱۴۴)

نمونه دیگری از فاصله گرفتن از دیدگاه انتقادی و پرسشگری در این برنامه درسی و نزدیک شدن به رویکرد کلامی این است که گرچه یکی از بحث‌های فلسفه دین در موضوع انسان‌شناسی این است که آیا ملازمه‌ای میان آموزه‌های دینی و تجرد نفس وجود دارد یا نه و این بحث هم در میان متفکران مسیحی جریان داشته است (نک. مورفی ۱۳۹۲) و هم در میان متفکران مسلمان (نک. حسامی‌فر ۱۳۸۵) و در آثار معاصر فلسفه دین نیز این بحث مطرح می‌شود (برای نمونه، نک. Peterson and Van Arragon 2004, 315-343; Beaty 1990, 230-253). ولی این برنامه درسی در سرفصل‌های درس انسان‌شناسی با عنوان «اشاره اجمالی به تجرد نفس» از این بحث گذر می‌کند. این عنوان از پیش مفروض می‌گیرد که نفس مجرد است و بر این اساس دیگر نیازی به طرح دیدگاه متفکرانی که تجرد نفس را انکار می‌کنند نیست. علاوه بر این، این برنامه درسی یکی از اهداف درس «جاودانگی نفس و مسئله آخرت» را اثبات تجرد نفس می‌شمارد. پیشفرض این هدف این است که جز با پذیرفتن تجرد نفس نمی‌توان به آخرت که آموزه‌ای دینی است معتقد بود. در حالی که بسیاری از متکلمان مسلمان و الهی‌دانان مسیحی تجرد نفس را نمی‌پذیرند، اما به آخرت باور دارند. این متفکران آخرت را از طریقی جز تجرد نفس تبیین می‌کنند (برای نمونه، نک. خدایاری ۱۳۹۳؛ یوسفیان و خوش‌صحب ۱۳۹۱؛ بیکر ۱۳۹۳؛ گرین ۱۳۹۲).

۲. عناوین درسی

از نقاط قوت برنامه درسی بازنگری شده حذف برخی از دروسی که ارتباط کمتری با فلسفه دین دارند و افزودن عناوین مرتبط‌تر است. در این برنامه درسی درس «رویکردهای مختلف به دین» حذف شده و درس‌های «اعجاز» و «انسان‌شناسی» افزوده شده است. درس «رویکردهای مختلف به دین» با برنامه درسی رشته دین‌شناسی یا مطالعات ادیان تناسب دارد و نسبت به فلسفه دین تنها می‌تواند جنبه مقدماتی داشته باشد. در سرفصل‌های درس «چیستی دین»، به رشته‌های مختلف دین‌پژوهی اشاره شده و می‌توان گفت تا حد لازم به این بحث اشاره شده است. اما اعجاز با در برداشتن سرفصل‌هایی مانند ارزش معرفتی معجزه در اثبات وجود خدا و نبوت، و امکان و شرایط معجزه، موضوع مهمی است که در فلسفه دین به طور مفصل به آن پرداخته می‌شود و جای خالی آن در برنامه درسی ۱۳۸۱ احساس می‌شود. علاوه بر این، انسان‌شناسی با موضوعاتی مانند

خلقت انسان، سرشت خیر و شر، فطرت، جبر و اختیار و کمال انسان، بسیاری از آموزه‌های ادیان را در بر می‌گیرد و بحث و تحلیل عقلی درباره آنها بخش مهمی از فلسفه دین را تشکیل می‌دهد.

اما یکی از نقاط ضعف برنامه درسی ۱۳۹۵ این است که درس «دین و سبک زندگی (حیات طبیعه)» به جدول دروس این برنامه اضافه شده است. هدف این درس «آشنایی با سبک زندگی اسلامی» است و سرفصل‌های آن عبارت‌اند از: «کلیات: مفهوم‌شناسی، ضرورت بحث و خاستگاه؛ ابعاد بحث سبک زندگی اسلامی در ساحت زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی؛ مبانی سبک زندگی اسلامی اعم از دین‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی؛ مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی؛ ویژگی‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی؛ کارکردهای سبک زندگی اسلامی؛ موانع و چالش‌های سبک زندگی اسلامی؛ نقد بررسی نظریات رقیب».

همان‌طور که دیدیم، فلسفه دین در مقدمه این برنامه درسی به رشته‌ای که «به تحلیل عقلانی درباره دین و آموزه‌های بنیادین دین می‌پردازد» تعریف شده است. بر این اساس، به هیچ وجه روشن نیست درس «دین و سبک زندگی» با هدف و سرفصل‌های مذکور چگونه در فلسفه دین می‌گنجد. سبک زندگی اسلامی مفهومی دینی است، اما در سرفصل‌های ذکر شده بحث فلسفی و تحلیل عقلانی درباره این مفهوم صورت نمی‌گیرد، جز در «مبانی سبک زندگی اسلامی». اما روشن است که صرف این که می‌توان در مبانی این مفهوم دینی به بحث فلسفی پرداخت، تعریف یک درس در برنامه درسی فلسفه دین را توجیه نمی‌کند. افزون بر این، در هیچ یک از منابع کلاسیک فلسفه دین مانند مبانی فلسفه دین (پیلین ۱۳۸۳)، فلسفه دین در قرن بیستم (تالیافرو ۱۳۸۲)، فلسفه دین (وین‌رایت ۱۳۹۰)، عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین (بازینجر و دیگران ۱۳۹۰)، فلسفه دین (هیگ ۱۳۹۰) بحث سبک زندگی دینی به چشم نمی‌خورد. تا جایی که نگارنده تتبع کرده است، در دیگر منابع فلسفه دین نیز درباره این موضوع بحث نشده است (از جمله نک. Mann 2004; Wainwright 2005; Taliaferro and others 2010; Oppy 2015).

در فهرست منابع این درس هیچ اثری که بتوان موضوع آن را فلسفه دین دانست به چشم نمی‌خورد. کلیدواژه مشترک در عنوان بیشتر این آثار «سبک زندگی» است. وجه مشترک این منابع پرداختن به موضوعاتی است چون: مصرف و مصرف‌زدگی، خانواده، حقوق افراد نسبت به یکدیگر، پوشش، معماری، و برخی از موضوعات خاص‌تر که در

همه کتب نیست، مانند انتظار، عبادت، صبر، توکل و تهاجم فرهنگی. موضوع تعداد دیگری از این آثار تعلیم و تربیت است.

مقایسه درس «دین و سیاست»، که در برنامه درسی ۱۳۸۱ بوده و در بازنگری حذف شده، با درس «دین و سبک زندگی»، که در این بازنگری افزوده شده، نشان می‌دهد که درس «دین و سیاست» تناسب بیشتری با فلسفه دین دارد، و اگر، آن گونه که در اهداف بازنگری ذکر شده است، قرار باشد موضوعات بومی و اسلامی فلسفه دین مورد توجه قرار گیرد، حذف این درس موجه نیست. در این درس، موضوعات مربوط به اندیشه سیاسی مانند ملاک‌های مشروعیت حکومت، اهداف و وظایف حکومت، حدود آزادی سیاسی و سکولاریسم، که ممکن است دین به لحاظ نظری در آنها موضعی داشته باشد، بحث می‌شود. بحث دین و سیاست در برخی از آثار کلاسیک فلسفه دین نیز به چشم می‌خورد (از باب نمونه، نک. Oppy 2015; Mann 2004; Taliaferro and others 2010; Audi 2000; Wolterstorff 1997; Perry 1997; Audi and Wolterstorff 1997; Cuneo 2005; Weithman 2002; Wolterstorff 2009). ناگفته پیداست که با توجه به تشکیل حکومت دینی در ایران پس از انقلاب، درس «دین و سیاست» برای بومی‌سازی رشته فلسفه دین اهمیت دوچندانی یافته است. از این رو، بهتر بود به جای حذف این درس، موضوعات مزبور با تفصیل بیشتر در سرفصل‌های این درس گنجانده شود.

مشکل دیگر در افزودن درس «دین و فرهنگ» به برنامه درسی ۱۳۹۵ است. هدف از این درس «آشنایی با نظریات موجود در مناسبات دین و فرهنگ» شمرده شده و در بند ۱۳ سرفصل این درس، نظریه‌پردازان دین و فرهنگ «پل تیلیخ، پیتر برگر، کلیفورد گیرتز و مارسل موس» معرفی شده‌اند. همگی این متفکران، جز تیلیخ، جامعه‌شناس هستند و دیدگاه‌هایی در حوزه جامعه‌شناسی دین دارند، نه فلسفه دین. تیلیخ الهی‌دان و فیلسوف مسیحی است و عمده بحث‌های «الهیات فرهنگ» و «دین و فرهنگ» با نام او گره خورده است.

همچنین، در بررسی سرفصل‌های این درس مشخص می‌شود تقریباً نیمی از سرفصل‌های ذکرشده ارتباطی با فلسفه دین ندارند. همان طور که دیدیم، فلسفه دین در مقدمه این برنامه درسی به رشته‌ای که «به تحلیل عقلانی درباره دین و آموزه‌های بنیادین دین می‌پردازد» تعریف شده است، اما از میان سرفصل‌های ذکرشده در این درس، «تأثیر فرهنگ در التزام به دین»، «دین؛ منبع معیارسازی برای سنجش فرهنگ: در آسیب‌شناسی

فرهنگی؛ در اصلاح و رشد فرهنگ»، «دین و راهبردهای اصلاح و ارتقای فرهنگ»، «نهادهای دینی و نهادهای فرهنگی (تباین یا تعامل؟)»، «سنت اسلامی و تجدد و فرهنگ، و روشنفکری دینی» ارتباط نزدیکی با فلسفه دین ندارند.

فهرست منابع این درس نیز تناسبی با یک درس در برنامه درسی فلسفه دین ندارد. در فهرست منابع این درس، جز دو اثر از پل تیلیخ و دو اثر از جوادی آملی، همه منابع آشکارا مربوط به جامعه‌شناسی دین یا اندیشه اجتماعی هستند و ارتباطی با فلسفه دین ندارند. دو اثر «جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی و شریعت در آینه معرفت» گرچه شامل بحث‌های فلسفه دین هستند، ربطی به سرفصل‌های مذکور در این درس ندارند و گنجاندن آنها در منابع این درس موجه نیست.

۳. سرفصل‌ها

از نقاط قوت برنامه درسی ۱۳۹۵ این است که سرفصل‌های تعدادی از دروس نسبت به برنامه درسی قبلی تفصیل بیشتری یافته و مباحث مطرح در هر موضوع به شیوه‌ای منطقی‌تر مرتب شده‌اند. مثلاً در مقایسه سرفصل دروس‌های مربوط به براهین اثبات خدا در دو برنامه درسی ۱۳۸۱ و ۱۳۹۵ این امر آشکار می‌شود. در برنامه درسی ۱۳۸۱، سرفصل‌های این درس شامل بحث مقدماتی «ارزش برهان‌آوری بر اثبات وجود خداوند و دسته‌بندی برهان‌ها» است، و سپس ذیل هفت شماره اقسام برهان‌ها مانند برهان وجودی، برهان نظم، برهان‌های اخلاقی در غرب را نام می‌برد و به برخی از متفکرانی که درباره آن برهان‌ها بحث کرده‌اند اشاره می‌کند و در شماره آخر به «برهان‌های سودمندی، تجربه دینی، معجزه و دلیل انباشتی» اشاره می‌کند. اما در برنامه درسی ۱۳۹۵، نخست در کلیات، بحث «برهان‌پذیری و برهان‌ناپذیری وجود خدا»، «معنای برهان» و «تقسیم‌بندی براهین» مطرح می‌شود. و سپس در ده شماره اقسام برهان مانند برهان وجوب و امکان، برهان نظم، برهان صدیقین، برهان وجودی، برهان فطرت، برهان تجربه دینی و برهان معجزه را برمی‌شمارد. در این برنامه درسی، ذیل هر برهان، به شخصیت‌های مهم مربوط به هر برهان، نکات مهم هر برهان، و نقدهای هر برهان اشاره شده است.

در مقابل، محتوای سرفصل‌های ارائه شده در درس «منطق فهم دین» با عنوان این درس و به طور کلی برنامه درسی رشته فلسفه دین متناسب نیست. بند ۱ مقدمات این سرفصل «تعریف دانش منطق فهم دین» است و بند ۵ «نسبت و مناسبات منطق فهم دین با دانش‌های همگن (فلسفه دین، فلسفه معرفت دینی، اصول فقه، قواعد فقهیه، علوم قرآن

و تفسیر، هرمنوتیک، زبان‌شناسی و...)» را مطرح می‌کند. از این دو بند استفاده می‌شود که «منطق فهم دین» دانشی است در عرض فلسفه دین. دانش «منطق فهم دین» در واقع شکل توسعه‌یافته و رفع‌نقص‌شده علم اصول فقه است. رشاد در مقاله‌ای که ضرورت تأسیس این دانش را مطرح می‌کند می‌نویسد:

به نظر ما علم اصول فقه موجود حاجتمند تنسیق و توسعه، تکمیل و تجزیه است. ... از این رو ضروری است که این علم، ضمن تنقیح و تکمیل، به علوم بالقوه نهفته در خود تجزیه و تفصیل یابد و در این میان، سامانه علمی جامع و مانعی با عنوان منطق اکتشاف گزاره‌ها و آموزه‌های دینی ... صورت بندد. (رشاد ۱۳۸۴، ۲۹)

بنابراین بهتر است سرفصل‌های این درس به گونه‌ای اصلاح شود که مباحث عقلی مربوط به عوامل دخیل در فهم دین، از جمله هرمنوتیک، را شامل شود. نمی‌توان دانش مستقلی مانند علم اصول را یکی از درس‌های برنامه درسی فلسفه دین قرار داد.

مشکل دیگر این است که عنوان این درس «منطق فهم دین» است، اما سرفصل‌ها به گونه‌ای تنظیم شده است که گویا تنها فهم دین اسلام مد نظر بوده است. در سرفصل‌های این درس، ذیل بند «۱/۱». دانش‌ها و مهارت‌های لازم جهت فهم دین» به این عناوین برمی‌خوریم: «علم لغت، منطق، ادبیات عرب، معانی و بیان، علوم قرآن و تفسیر، اصول فقه، درایه، رجال، آشنایی با محاورات عرفی، شناخت موضوعات عرفی». روشن است که عمده این علوم برای فهم دین متن‌محور اسلام لازم است. مسلماً ادبیات عربی و علوم قرآن و حدیث نقشی در فهم دینی مانند مسیحیت ندارند.

علاوه بر این، همه سرفصل‌های درس «نبوت، وحی و تجربه دینی» به وحی در دین اسلام اختصاص یافته و هیچ اشاره‌ای به وحی در دین مسیحیت و تفاوت وحی در دو دین اسلام و مسیحیت نشده است. وحی در اسلام از جنس گفتار است و ارتباط خداوند با بشر از طریق سخن گفتن و به واسطه زبان قابل فهم برای بشر است، اما در مسیحیت از جنس یک رویداد است و ارتباط خدا با بشر از طریق تجسد خدا در قالب یک شخص انسانی است. دانشجوی فلسفه دین باید با ماهیت وحی در هر دو دین آشنایی داشته باشد تا هر گاه سخن از وحی در بافت مسیحی می‌شود، به تفاوت آن و لوازم آن با وحی در دین اسلام توجه داشته باشد.

آخرین نکته درباره درس «الهیات تطبیقی» است. عنوان فرعی این درس در پراگماتر «تاریخ تدوین کتب آسمانی و محورهای موضوعی» است، اما در سرفصل‌های این درس هیچ سخنی از تاریخ تدوین کتب آسمانی به میان نیامده است.

۴. منابع

از نقاط قوت برنامه درسی بازنگری شده این است که تعداد منابع فارسی و انگلیسی معرفی شده در بیشتر درس‌ها نسبت به منابع برنامه ۱۳۸۱ افزایش قابل توجهی یافته است. این امر دسترسی دانشجویان به منابع را تسهیل می‌کند و به آنها این امکان را می‌دهد که با اعتماد به برنامه درسی از منابع معتبر استفاده کنند. با این حال، فهرست منابع دروس دچار مشکلات متعددی است. از جمله این که در موارد متعدد، منابع قوی و دست‌اول معرفی نشده و در عوض، منابع ضعیف و دست‌چندم مطرح شده است. ذکر برخی از منابع نامربوط یا نامتناسب با عنوان و سرفصل‌های درس از دیگر مشکلات فهرست منابع دروس است. از آنجا که بررسی منابع تک‌تک دروس مجال گسترده‌ای می‌طلبد و در یک مقاله نمی‌گنجد، در این مقاله منابع درس «زبان دین» را به تفصیل بررسی می‌کنم و به برخی از مشکلات منابع دیگر دروس اشاره می‌کنم.

یک نکته برجسته درباره منابع درس «زبان دین» این است که در سرفصل‌های این درس مستقیماً از هرمنوتیک نامی برده نشده است، و هرمنوتیک را تنها می‌توان ذیل سرفصل «رابطه زبان دین با مفاهیم و دانش‌های همگن» گنجانند. اما عمده آثار ذکر شده در فهرست منابع درس (آثار نصر حامد ابوزید، بابک احمدی، عبدالله نصری، احمد واعظی، هایدگر و گادامر) ذیل عنوان هرمنوتیک می‌گنجانند. (احتمالاً به این دلیل که نام این درس در برنامه درسی ۱۳۸۱، «زبان دینی و هرمنوتیک دینی» بوده است و به همین مناسبت این آثار ذکر شده بوده‌اند، اما در سرفصل جدید که هرمنوتیک دینی از عنوان درس حذف شده است، بازنگری‌کنندگان متناسب با این تغییر در عنوان، در منابع درس بازنگری نکرده‌اند). با این حال، اگر قرار بود در منابع این درس، اثری درباره هرمنوتیک معرفی شود، کتاب هرمنوتیک و نواندیشی دینی (مسعودی ۱۳۹۲) از دو جهت بر بیشتر آن آثار ترجیح داشت. نخست این که این کتاب، برخلاف آنها، از هرمنوتیک در ارتباط با متن و زبان دین بحث کرده است. دوم این که ویژگی بومی دارد و به مباحث نواندیشان دینی مسلمان ایرانی در این ارتباط توجه کرده است. علاوه بر این، در فهرست منابع این درس سه اثر از آثار نصر حامد ابوزید ذکر شده است. از این سه اثر، یکی به فارسی ترجمه نشده است، اما از دو اثر دیگر که هر دو به فارسی ترجمه شده‌اند، ترجمه یکی از آنها ذکر شده (معنای متن) و اصل عربی دیگری (نقد الخطاب الدینی، که این کتاب در فاصله میان دو برنامه درسی ۱۳۸۱ و ۱۳۹۵ به فارسی ترجمه شده است (ابوزید ۱۳۸۳)).

نکته دیگر این است که گرچه کتاب «واعظی، احمد (۱۳۹۳)، درآمدی بر هرمنوتیک...» در فهرست منابع درس «زبان دین» گنجانده شده است، اثر دیگر همین مؤلف یعنی نظریه تفسیر متن (واعظی ۱۳۹۰) که درباره زبان و تفسیر متن دینی، جامع‌تر، روزآمدتر و عمیق‌تر است ذکر نشده است. در منابع همین درس از کتاب «جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن...» نام برده شده است، در حالی که محتوای این کتاب ارتباط مستقیمی با بحث زبان دین ندارد. در عوض، این کتاب یکی از منابع مهم بحث فطرت است و باید در منابع درس «انسان‌شناسی»، که یکی از سرفصل‌های آن فطرت است، ذکر می‌شد، اما ذکر نشده است.

افزون بر این، در فهرست منابع درس «زبان دین» هم اصل انگلیسی کتاب مشهور *عقل و اعتقاد دینی* (بازینجر و دیگران ۱۳۹۰) ذکر شده و هم ترجمه فارسی آن، در حالی که در فهرست منابع دیگر دروس، به درستی، تنها ترجمه فارسی این اثر ذکر شده است. همچنین است کتاب تجربه دینی بشر (اسمارت ۱۳۸۳) که در منابع درس «الهیات تطبیقی»، هم اصل کتاب ذکر شده و هم ترجمه فارسی آن.

نکته دیگر این که بخش دوم سرفصل‌های درس «علم و دین» مربوط به علم دینی است، اما هیچ اثری درباره علم دینی در فهرست منابع این درس ذکر نشده است، در حالی که تا سال تصویب این برنامه درسی، آثار متعددی به فارسی و انگلیسی درباره این موضوع منتشر شده بوده است (از باب نمونه، نک. حسنی و دیگران ۱۳۹۰؛ Al-Attas 1978).

از دیگر اشکالاتی که کم‌وبیش در فهرست منابع همه درس‌ها به چشم می‌خورد این است که در معرفی منابع به معرفی کتاب‌هایی که در دهه‌های گذشته منتشر شده‌اند اکتفا شده و منابع روزآمد و جدید معرفی نشده‌اند. مثلاً در درس زبان دین، آثار جدیدی مانند پیلین ۱۳۸۳؛ ساجدی ۱۳۸۵-ب؛ علیزمانی ۱۳۸۷؛ Wainwright 2005, 220-44؛ Scott, 2013؛ Oppy 2015, 203-254 منتشر شده است، اما در فهرست منابع این درس نیامده است (تاریخ انتشار این آثار همه پس از تاریخ تدوین برنامه درسی ۱۳۸۱ و قبل از تدوین برنامه درسی ۱۳۹۵ است).

در فهرست منابع درس انسان‌شناسی، کتاب «میناگر، غلامرضا (۱۳۹۰) نیاز بشر به دین...» ذکر شده است. این کتاب را انتشارات کانون اندیشه جوان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر کرده است. همان طور که در پیش‌گفتار این اثر آمده است، آثار این انتشارات قرار است «پاسخگو به نیازهای جوان امروز» باشد. بر این اساس، این آثار را نمی‌توان آثار تخصصی در فلسفه دین شمرد و جزء منابع این رشته درسی در مقطع

کارشناسی ارشد ذکر کرد. افزون بر این، تنها شش صفحه از فصل اول این کتاب به موضوع «چیستی انسان» اختصاص دارد و همان طور که نویسنده کتاب می‌گوید (ص ۱۴) عنوان دیگر مسئله «نیاز بشر به دین»، «انتظار بشر از دین» است و از این بحث می‌کند که دین در کدام یک از قلمروها پاسخ‌گوی نیازها یا انتظارات بشر است. پس این کتاب ارتباط چندانی با درس «انسان‌شناسی» ندارد، و اگر شایسته باشد که از آن در منابع درسی از درس‌های برنامه فلسفه دین یاد شود، آن درس «قلمرو دین و جامعیت آن» است.

از دیگر مشکلات فهرست منابع درسی نایک‌نواختی و نقصان در ذکر مشخصات کتاب‌شناختی منابع است. مثلاً، مشخصات کتاب‌شناختی بیشتر منابع درس‌های «الهیات و مسئله شر» و «دین و اخلاق» و تعدادی از منابع درس «نبوت، وحی و تجربه دینی» (به خصوص سال نشر منابع انگلیسی) ناقص است. منابع درس «دین و سبک زندگی» هیچ یک سال نشر ندارد و در منابع درس «علم و دین» علاوه بر مشخص نبودن تاریخ نشر، نام نویسنده یا مؤلف هفت منبع ذکر نشده است.

۵. یک پیشنهاد

در پایان پیشنهاد می‌کنم درس فلسفه دین قاره‌ای به برنامه درسی فلسفه دین افزوده شود. رشته فلسفه دین به عنوان شاخه‌ای از فلسفه تحلیلی در قرن بیستم پدید آمد و بیشتر نویسندگانی که آثارشان در زمره آثار فلسفه دین قرار می‌گرفت فیلسوفانی بودند که به سنت فلسفه تحلیلی تعلق داشتند. اما تفکر فلسفی درباره دین، پدیده‌ها، مفاهیم و آموزه‌های دینی اختصاص به فیلسوفان تحلیلی ندارد و فیلسوفانی هم که در سنت فلسفه قاره‌ای دسته‌بندی می‌شوند به این امر پرداخته‌اند. از جمله مهم‌ترین این فیلسوفان می‌توان به نیچه، هایدگر، دریدا و ریکور اشاره کرد. از این رو، از حدود دو دهه قبل، فلسفه دین قاره‌ای مورد توجه جامعه علمی متخصصان فلسفه دین قرار گرفته و در آثاری که با عنوان فلسفه دین منتشر می‌شود به فلسفه دین قاره‌ای نیز توجه شده است (از جمله نک. مایستر ۱۳۹۵، فصل ۷؛ Wainwright 2005, ch. 19؛ Taliaferro 2005, ch. 7؛ Copan 2012, ch. 66؛ Draper and Schellenberg 2018, ch. 9. همچنین آثار مستقل متعددی با عنوان فلسفه دین قاره‌ای منتشر شده است (از جمله: جوی ۱۳۹۷؛ Crockett and others 2014؛ Smith and Whistler 2010؛ Goodchild 2002؛ Burns 2018؛ Baker and Maxwell 2003). افزون بر این، از سه سال پیش نشریه‌ای

به همین نام (*Journal for Continental Philosophy of Religion*) از سوی انتشارات معتبر بریل منتشر می‌شود.

نتیجه‌گیری

برنامه درسی بازنگری‌شده رشته فلسفه دین در مقطع کارشناسی ارشد، در عین حال که نقاط قوتی دارد، نقص‌ها و نقاط ضعفی دارد که اصلاح آنها لازم است. نخست این که لازم است دقیقاً مشخص شود منظور از «فلسفه دین اسلامی» در این برنامه درسی چیست و تعریفی از آن ارائه شود که آن را از کلام اسلامی متمایز کند. سپس مواردی از اهداف و عناوین سرفصل‌ها که این برنامه درسی را به رشته کلام اسلامی نزدیک می‌کند اصلاح شود. اصلاح دیگری که لازم است در این برنامه درسی صورت گیرد این است که دو درس «دین و سبک زندگی» و «دین و فرهنگ» که تناسبی با رشته فلسفه دین ندارند حذف شوند و درس «دین و سیاست» که در برنامه درسی قبلی بوده و حذف شده است بازگردانده و تکمیل شود. علاوه بر این، سرفصل‌های درس «منطق فهم دین» باید به گونه‌ای اصلاح شود که اولاً با رشته فلسفه دین تناسب داشته باشد و ثانیاً عوامل دخیل در فهم ادیان جز اسلام نیز در آن مد نظر قرار گیرد؛ از جمله این که بحث هرمنوتیک مورد توجه قرار گیرد. همچنین لازم است در سرفصل‌های درس نبوت به تفاوت وحی در اسلام و مسیحیت اشاره شود. در فهرست پیشنهادی منابع درس‌ها، اولاً لازم است منابع معتبر و روزآمد معرفی شود؛ ثانیاً منابع نامربوط به درس‌ها و سرفصل‌های هر درس حذف شود؛ ثالثاً، منابع مورد نیاز برای سرفصل‌های جدید افزوده شود؛ و در نهایت مشخصات کتاب‌شناختی منابع تکمیل شود. در پایان با توجه به این که فلسفه دین قاره‌ای اخیراً مورد توجه جامعه علمی فلسفه دین قرار گرفته است، پیشنهاد می‌شود درس «فلسفه دین قاره‌ای» به عناوین درسی این برنامه افزوده شود.

کتاب‌نامه

- ابوزید، نصر حامد. ۱۳۸۳. نقد گفتمان دینی. ترجمه محمد جواهرکلام و حسن یوسفی اشکوری. تهران: یادآوران.
- اسمارت، نینیان. ۱۳۸۳. تجربه دینی بشر. ترجمه محمد محمدرضایی و ابوالفضل محمودی. تهران: سمت.
- باربور، ایان. ۱۳۷۹. علم و دین. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

بازینجر، دیوید، ویلیام هاسکر، بروس رایشنباخ، و مایکل پترسون. ۱۳۹۰. *عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین*. ترجمه ابراهیم سلطانی و احمد نراقی. تهران: طرح نو.
بیکر، لین رادر. ۱۳۹۳. «اشخاص انسانی بدون نفوس غیرمادی». صص. ۱۶۹-۲۰۴، در *نفس و بدن در الهیات تطبیقی*، جمعی از نویسندگان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
پاپکین، ریچارد، و آروم استرول. ۱۳۷۳. *کلیات فلسفه*. ترجمه و اضافات سید جلال‌الدین مجتوی. تهران: حکمت.

پیلین، دیوید. ۱۳۸۳. *مبانی فلسفه دین*. گروه مترجمان. قم: بوستان کتاب.
تالیافرو، چارلز. ۱۳۸۲. *فلسفه دین در قرن بیستم*. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: سهروردی.
جوی، موری. ۱۳۹۷. *فلسفه قاره‌ای و فلسفه دین*. ترجمه محمدابراهیم باسط. قم: طه.
حسامی‌فر، عبدالرزاق. ۱۳۸۵. «ماهیت نفس در کلام اسلامی». *اندیشه دینی* ۱۸: ۱۱۳-۱۳۴.
حسنی، سید حمیدرضا، مهدی علی‌پور، و سید محمدتقی موحد ابطحی (گردآورندگان). ۱۳۹۰. *علم دینی؛ دیدگاه‌ها و ملاحظات (گزارش، تبیین و سنجش دیدگاه‌های متفکران ایرانی در باب چیستی، امکان و ضرورت علم دینی)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
خدایاری، علی نقی. ۱۳۹۳. «نظریه‌های نفس‌شناسی متکلمان امامی سده‌های میانی و کارکرد آنها در تبیین آموزه معاد». صص. ۲۴۳-۲۹۹، در *نفس و بدن در الهیات تطبیقی*، جمعی از نویسندگان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی. ۱۳۹۵. «برنامه درسی بازنگری شده دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین». قابل دسترس از طریق: [لیست کامل رشته‌ها \(msrt.ir\)](http://msrt.ir).
دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی. ۱۴۰۰. «فرایند بازنگری سرفصل دروس و برنامه‌های درسی». قابل دسترس از طریق <https://www.msrt.ir/fa/service/144>.

دیویس. برایان. ۱۴۰۰. *درآمدی بر فلسفه دین*. ترجمه ملیحه صابری نجف‌آبادی. تهران: سمت.
رشاد، علی اکبر. ۱۳۸۴. «ضرورت تأسیس فلسفه دین، منطق اکتشاف دین و فلسفه معرفت دینی، و ترابط و تمایز آنها با یکدیگر». *قیاسات* ۳۸: ۲۱-۵۲.

رضایی، مرتضی. ۱۳۹۶. «بررسی سه رویکرد در فلسفه دین». *آیین حکمت* ۳۳: ۳۱-۵۶.
ساجدی، ابوالفضل. ۱۳۸۵-الف. «فلسفه دین». *قیاسات* ۳۹: ۴۰-۶۶.
ساجدی، ابوالفضل. ۱۳۸۵-ب. *زبان دین و قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
شورای گسترش آموزش عالی. ۱۳۸۱ [۱۳۸۲]. «مشخصات کلی برنامه درسی و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین». قابل دسترس از طریق: [لیست کامل رشته‌ها \(msrt.ir\)](http://msrt.ir) (این سرفصل مطابق قوانین وقت، به درخواست گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی تنظیم و تصویب شده بود).

عباس‌زاده، مهدی. ۱۳۹۸. «فلسفه دین و الهیات جهانی با رویکرد اسلامی». *قیاسات* ۹۱: ۵-۲۸.
عبداللهی، مهدی. ۱۳۹۰. «فلسفه فلسفه دین». *قیاسات* ۶۱: ۱۲۳-۱۵۲.

- عبودیت، عبدالرسول. ۱۳۸۲. «آیا فلسفه اسلامی داریم». معرفت فلسفی ۱ و ۲.
- عسگری یزدی، علی. ۱۳۹۰. «چیستی فلسفه دین». پژوهش‌های فلسفی کلامی ۴۸: ۱۳۵-۱۴۶.
- علی‌تبار فیروزجایی، رمضان. ۱۳۸۴. «علم کلام، فلسفه دین و الاهیات (وجوه تشابه و تمایز)». قبسات ۳۸: ۱۵۵-۱۸۴.
- علیزمانی، امیرعباس. ۱۳۸۷. سخن‌گفتن از خدا. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کردفیروزجایی، یارعلی. ۱۳۹۰. چیستی فلسفه اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- گرین، جف. ۱۳۹۲. «معاد». ترجمه یاسر پوراسماعیل. صص. ۳۷۷-۴۰۶، در مسیحیت و مسئله ذهن و بدن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لگنهاوسن، محمد. ۱۳۸۳. سیاحت اندیشه در سپهر دین. ترجمه گروهی از مترجمان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مایستر، چاد. ۱۳۹۵. درآمدی به فلسفه دین. تهران: فرهنگ نشر نو.
- محمدرضایی، محمد. ۱۳۹۹. «فلسفه دین اسلام عبارت از فلسفه‌پردازی در مورد آموزه‌های دین است». ۲۶ آذر ۱۳۹۹، قابل دسترس از طریق <https://iqna.ir/fa/news/3941562>.
- محمدرضایی، محمد، و مهدی محمدرضایی. ۱۳۹۲. «چیستی فلسفه دین و مسائل آن». قبسات ۷۰: ۵-۳۰.
- مسعودی، جهانگیر. ۱۳۹۲. هرمنوتیک و نواندیشی دینی: تبیین اصول هرمنوتیک گادامر و تطبیق آن بر مبانی معرفتی نواندیشان مسلمان ایرانی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مورفی، نانسی. ۱۳۹۲. «آیا مسیحیان به نفس نیاز دارند؟ رویکردهای مبتنی بر الهیات و کتاب مقدس درباره طبیعت انسان». ترجمه ناصر ذوالفقاری. صص. ۱۴۵-۱۹۸، در مسیحیت و مسئله ذهن و بدن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- میناگر، غلامرضا. ۱۳۹۰. نیاز بشر به دین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- واعظی، احمد. ۱۳۹۲. نظریه تفسیر متن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- وین‌رایت، ویلیام. ۱۳۹۰. فلسفه دین. ترجمه علیرضا کرمانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هیگ، جان. ۱۳۹۰. فلسفه دین. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- یوسفیان، حسن، و مرتضی خوش‌صحب. ۱۳۹۱. «حقیقت انسان و تأثیر آن در تبیین حیات پس از مرگ؛ از نگاه سید مرتضی». معرفت کلامی ۲(۲): ۲۵-۴۸.
- Al-Attas, Syed Muhammad Naquib. 1978. *Islam and Secularism*. Kuala Lumpur: ABIM.
- Alston, William P. 1972. "Problems of Philosophy of Religion", in *The Encyclopedia of Philosophy*, Vol. 6, Paul Edwards (ed.). New York, Macmillan Publishing.

- Audi, Robert, and N. Wolterstorff. 1997. *Religion in the Public Square*. Lanham, Md.: Rowman and Littlefield.
- Audi, Robert. 2000. *Religious Commitment and Secular Reason*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Baker, D., and P. Maxwell. 2003. *Explorations in Contemporary Continental Philosophy of Religion*. Rodopi.
- Beaty, Michael D. (Ed.). 1990. *Christian Theism and the Problems of Philosophy*. Notre Dame: University of Notre Dame.
- Burns, Elizabeth. 2018. *Continental Philosophy of Religion*. Cambridge University Press.
- Copan, P., and C. Meister. 2007. *Philosophy of Religion: Classic and Contemporary Issues*. Blackwell.
- Crockett, Clayton, B. Keith Putt, and Jeffrey W. Robbins (Eds.). 2014. *The Future of Continental Philosophy of Religion* (Indiana Series in the Philosophy of Religion). Bloomington, IN: Indiana University Press.
- Cuneo, Terence (Ed.). 2005. *Religion in the Liberal Polity*. Notre Dame, IN: Notre Dame University Press.
- Draper, P., and J. L. Schellenberg (Eds.). 2018. *Renewing Philosophy of Religion: Exploratory Essays*. Oxford University Press.
- Goodchild, Philip. 2002. *Rethinking Philosophy of Religion: Approaches from Continental Philosophy*. Fordham University Press.
- Mann, William E. (Ed.). 2004. *The Blackwell Guide to the Philosophy of Religion*. Oxford: Blackwell.
- Meister, C., and P. Copan (Eds.). 2012. *Routledge Companion to Philosophy of Religion* (2nd edition). Routledge.
- Mitchell, Basil (Ed.). 1971. *The Philosophy of Religion: Oxford Readings in Philosophy*. New York, Oxford University Press.
- Oppy, Graham (Ed.). 2015. *Routledge Handbook of Contemporary Philosophy of Religion*. London: Routledge.
- Perry, Michael. 1997. *Religion in Politics: Constitutional and Moral Perspectives*. Oxford: Oxford University Press.
- Peterson, Michael L. and Raymond J. VanArragon (Eds.). 2004. *Contemporary Debates in Philosophy of Religion*. (Contemporary Debates in Philosophy). Malden, MA: Blackwell.
- Ruloff, C. P. (Ed.). 2015. *Christian Philosophy of Religion: Essays in Honour of Stephen T. Davis*. Notre Dame: University of Notre Dame.
- Scott, Michael. 2013. *Religious Language*. Palgrave Macmillan.
- Smith, A. P., and D. Whistler. 2010. *After the Postsecular and the Postmodern: New Essays in Continental Philosophy of Religion*. Cambridge Scholars Press.
- Stump, Eleonore. 1988. "Philosophy of Religion", in: *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Vol. 8, Edward Craig (Ed.). London: Routledge.

- Taliaferro, Charles, Paul Draper, and Philip L. Quinn. 2010. *A Companion to Philosophy of Religion* (2nd edition), (Blackwell Companions to Philosophy, 9). Hoboken, NJ: Wiley-Blackwell.
- Taliaferro, Charles. 2005. *Evidence and Faith: Philosophy and Religion since the Seventeenth Century*. Cambridge University Press.
- Wainwright, William (Ed.). 2005. *The Oxford Handbook of Philosophy of Religion*. Oxford: Oxford University Press.
- Weithman, Paul. 2002. *Religion and the Obligations of Citizenship*. Cambridge University Press.
- Wolterstorff, Nicholas. 2009. *Philosophical Essays on Politics and Religion*, edited by Terence Cuneo. Oxford: Oxford University Press.

